

نمود، بلکه استاندارد زندگی، تأثیر بحران مالی، عدم امنیت انرژی، تغییرات آب و هوایی و مهاجرت بود. همان‌طور که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تلاش برای بازگرداندن رشد به اروپا هستند، به‌طور فزاینده‌ای بر سیاست‌های خارجی تمرکز کرده‌اند که درهای بازارهای خارج از مرزهای اروپا را به رویشان باز کند و سرمایه‌گذاری را در اروپا تشویق نماید.

با این حال، علاقه‌مندی‌های اقتصادی از یک دولت عضو به دولت دیگر متفاوت است. علاوه‌براین، منظور از پول واحد، تولید همگرایی اقتصادی در میان کشورهای منطقه یورو در نتیجه امیدواری به همگرایی منافع سیاست خارجی بود. حال آنکه به‌جای آن به‌طور فزاینده‌ای باعث تقسیم اروپا میان کشورهای دارای مازاد تجاری مانند آلمان و هلند که به شدت به صادرات برای رشد اقتصادی وابسته‌اند و در نتیجه بیش از همه به دنبال باز کردن بازارهای خارج از اروپا هستند و کشورهای دارای کسری بودجه، که به سرمایه‌گذاری چه برای بدهی‌های حاکمیتی، زیرساخت‌ها، یا شرکت‌های خود برای توسعه منافع مستقیم اقتصادی در کشورهای شرقی و جنوبی خود دارند. به‌عنوان مثال، کشورهای عضوی مانند ایتالیا، اسپانیا و فرانسه برای انرژی به شمال آفریقا وابستگی دارند.

درحالی‌که پول واحد موفق به ایجاد همگرایی در میان اقتصادهای منطقه یورو نشد، راهبرد

در آسیا اتفاق می‌افتد قرار دارد.

### عدم همگرایی

با توجه به تغییرات گذشته و در جریان بین‌المللی، برخی از بازتاب‌های راهبردی درمورد اینکه اروپا چگونه می‌تواند یک بازیگر جهانی تأثیرگذار باقی بماند نه تنها مطلوب است بلکه اجتناب ناپذیر است. رسیدن به پاسخی دسته‌جمعی برای جامعه‌های متشکل از ۲۸ کشور، از معضلات جدی پیش روی آنها خواهد بود، حتی اگر این جامعه مسیر کم‌درتری را پیش رو داشته باشند. بدیهی است، که اتحادیه اروپا از این موقعیت بسیار دور است. علی‌الخصوص، هنگامی که بحران‌های یورو و اقتصادی ارکان اتحادیه اروپا را به لرزه درآورده است. اگرچه از تابستان ۲۰۱۲ وضعیت کمی بهتر شده است و منطقه یورو برخی از اعتبار خود را احیاء کرده است، اما بحران هنوز حل نشده و رشد به احتمال زیاد کند باقی می‌ماند.

برای آینده قابل‌پیش‌بینی، به نظر می‌رسد به احتمال زیاد امنیت اقتصادی برای شهروندان اروپایی نگرانی شماره یک و نگرانی‌های امنیتی سنتی و همچنین ارزش‌های اصولی در دستور کار اتحادیه اروپا باقی می‌ماند. در سال ۲۰۱۰، شورای روابط خارجی اروپا یک نظرسنجی منحصراً به فرد از نخبگان سیاست خارجی تمام ۲۷ کشور عضو انجام داد که شامل بیش از ۲۵۰ مصاحبه بود. در ذهن نخبگان امنیتی دل‌مشغولی‌ها اصلی، تهدیدات سنتی

اشتغال را در دوره رکود اقتصاد جهانی از دست رفته می‌بینند، مصیبت‌بار است.

براین اساس اروپا نمی‌تواند امنیت آسیا را به ایالات متحده بسپارد. اروپا با آمریکا در علاقه‌مندی به آسیایی باز، مسالمت‌آمیز، دموکراتیک و قانونمند که در آن کشورها مجاز به پیشبرد اهدافشان بدون احساس خطر تجاوز خارجی و یا اجبار هستند، شریک است. اما بسیاری از اروپایی‌ها بین این اهداف و ادعای آمریکا از اولویت در منطقه آسیا و اقیانوسیه تمایز قائل می‌شوند. بنابراین اروپا به جای سپردن منافع خود به دیگران، باید نظرات خود را برای امنیت آسیا مطرح کند و با شرکای آسیایی و همچنین ایالات متحده برای ارتقاء آنها همکاری کند.

دست‌رسی چین در دهه گذشته در فراتر از آسیا شدیداً گسترش یافته است و همان‌طور که فرانسوا گودمان نوشته است، "انتخاب‌های سیاسی آن دیگر تنها در همسایگی خود اثرگذار نیست و هر چیز از تجارت و اقتصاد و تغییرات آب و هوایی و گسترش سلاح‌های هسته‌ای را در هر منطقه از جهان از آفریقا گرفته تا خاورمیانه تحت الشعاع قرار می‌دهد". این بدان معنی است که اتحادیه اروپا مادامی که به چین به‌سادگی به چشم یک بازار صادرات و منبع مالی می‌نگرد، نمی‌تواند بازیگری راهبردی در همسایگی خود یا هر جای دیگر جهان تلقی شود. به‌سختی بتوان دید کشورهای عضو اتحادیه اروپا درحال تنظیم سیاست‌های

دسته‌جمعی در قبال مسائلی

مانند بلاروس و لیبی و

ایران، که ارتباط

نزدیکی نیز با پکن

دارد) هستند

در حالی که

نمی‌توانند در

مورد نحوه مقابله

با چین در هر

مورد با یکدیگر

به توافق برسند.

به عبارت دیگر، هویت

راهبردی اروپا چه بخواید و

چه نخواهد تحت تأثیر آنچه



**منظور از پول واحد، تولید همگرایی اقتصادی در میان کشورهای منطقه یورو در نتیجه امیدواری به همگرایی منافع سیاست خارجی بود. حال آنکه به‌جای آن به‌طور فزاینده‌ای باعث تقسیم اروپا میان کشورهای دارای مازاد تجاری مانند آلمان و هلند که به شدت به صادرات برای رشد اقتصادی وابسته‌اند و در نتیجه بیش از همه به دنبال باز کردن بازارهای خارج از اروپا هستند و کشورهای دارای کسری بودجه، که به سرمایه‌گذاری برای بدهی‌های حاکمیتی، زیرساخت‌ها، یا شرکت‌های خود برای توسعه محتاجند، شد**